

بسمه تعالی

تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع)

پریناز آقابابائیان^۱ - سمیه موسوی^۲

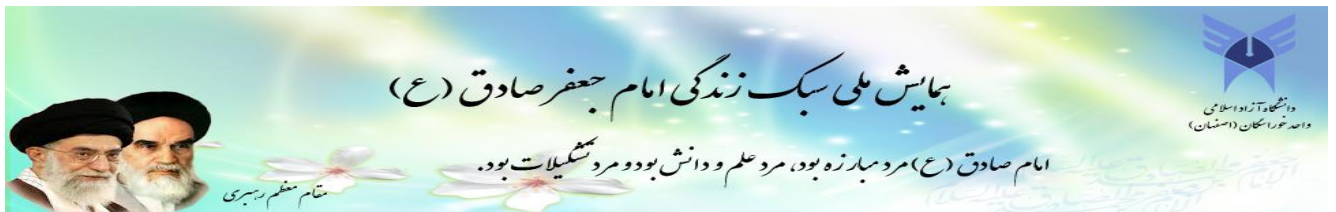
چکیده :

هدف از تدوین این مقاله بررسی سبک تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع) می باشد بدین منظور در ابتدا به عظمت علمی امام صادق پرداخته ، سپس به توضیح و بیان شخصیت علمی امام، دانشگاه بزرگ جعفری، وسعت دانشگاه، حوزه تدریس و شاگردان امام، تخصص در علوم و در نهایت به سبک های تعلیم و تربیت امام اشاره شده است، امید است که مقاله حاضر بتواند راهگشای بیشتر نسبت به شخصیت علمی امام و پیروی از سبک ایشان برای معلمین عزیز باشد.

کلیده واژه: تعلیم و تربیت، تدریس، دانشگاه جعفری

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت - دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک - مدرس دانشگاه پیام نور نجف آباد-
Parinazaghababaie@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی- دانشگاه کاشان- s_mousavi87@yahoo.com



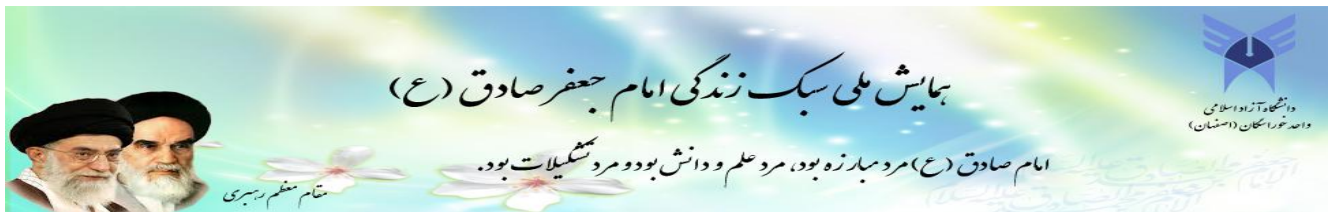
مقدمه :

دوران ۳۴ ساله امامت امام جعفر صادق علیه السلام فرصتی طلایی بود تا تشنه کامان معارف ناب الهی را از سرچشمه زلال وحی سیراب سازد و در این خلال، برخوردهای آن حضرت با گروه های دگر اندیش سازنده و آموزنده بود. هنگامی که مفضل علیه زندقی، عتاب آمیز صحبت کرد، آن زندیق نتوانست تعجب خود را پنهان کند و گفت گمان نمی برم شما از حلقه شاگردان جعفر صادق باشید چه این که ایشان رفتاری بس ملایم تر و خوشایندتر از این جوش و خروش شما دارد. آن حضرت که با مخالفان این نوع برخورد کریمانه را دارد، به یقین با اصحاب و شاگردان خاص خویش، رفتاری والاتر از این خواهد داشت. او سال ها بر کرسی درس و منبر پیامبر صلی الله علیه وآله قرار گرفت و هزاران شاگرد را در مکتب خود تربیت کرد. سلوک علمی این معلم بزرگ، طی این سی و چند سال، برخورد شایسته یک استاد را با شاگردان خود به زیباترین وجه ترسیم می کند. (علوی، ۱۳۸۵)

عظمت علمی امام صادق

در باب عظمت علمی امام صادق شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن است فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم رود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند. ابوحنیفه پیشوای مشهور فرقه حنفی می گفت من دانشمند تر از جعفر بن محمد ندیده ام .

نیز می گفت زمانی که منصور (دوانیقی) جعفر بن محمد را احضار کرده بود مرا خواست و گفت: مردم شیفته جعفر بن محمد شده اند برای محکوم ساختن او یک سری مسائل مشکل را در نظر بگیر من چهل مسئله مشکل آماده کردم روزی منصور که در حیره بود مرا احضار کرد وقتی وارد مجلس وی شدم دیدم جعفر بن محمد در سمت راست او نشسته است. وقتی چشمم به او افتاد انچنان تحت تاثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالی از دیدن کرد و گفت:



این ابوحنیفه است او پاسخ داد بلی می شناسمش . سپس منصور رو به من کرده گفت: ای ابوحنیفه مسائل خود را با ابوعبدالله (جعفر بن محمد) در میان بگذار در این هنگام شروع به طرح مسائل کردم هر مسئله ای می پرسیدم پاسخ می داد: عقیده شما در این باره چنین و عقیده اهل مدینه چنان و عقیده ما چنین است. در برخی مسائل با نظر ما موافق و در برخی دیگر با اهل مدینه موافق و گاهی با هر دو مخالف بود بدین ترتیب چهل مساله را مطرح کردم و همه را پاسخ گفت: ابوحنیفه به اینجا که رسید با اشاره به امام اصدق گفت: دانشمندترین مردم آگاهترین آنها به اختلاف مردم در فتاوا و مسائل فقهی است.

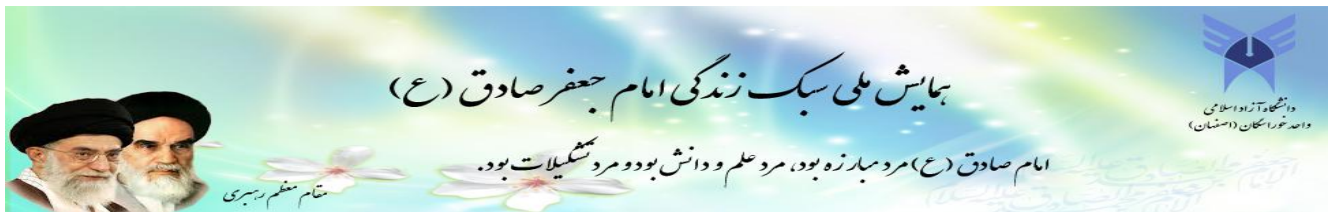
مالک پیشوای فرقه مالکی می گفت: مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم او را همواره در یکی از سه حالت دیدم یا نماز می خواند یا روزه بود و با قرآن تلاوت می کرد و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند در علم و عبادت و پرهیزگاری برتر از جعفر بن محمد هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشه نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.

شیخ مفید می نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او به اندازه او علم و دانش نقل نشده است .

ابن جعفر هیثمی می نویسد: به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه آن همه جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان مانند یحیی بن سعید، ابن جریح مالک ، سفیان ثوری، سفیان بنی عیینه، ابوحنیفه ، شیعه و ایوب سجستانی از او نقل روایت کرده اند.

شخصیت علمی امام صادق

حسن بن زیاد گفت: شنیدم که از ابوحنیفه سوال کردند چه کسی را دیدی که فقهِش از همه بیشتر باشد؟ ابوحنیفه گفت: جعفر بن محمد روزی منصور خلیفه عباسی فرستاد نزد من و گفت ای ابوحنیفه مردم مفتون شده اند به جعفر. مسائلی مشکل و سخت را آماده کن تا از او بپرسی من هم چهل مساله را آماده کردم. منصور که در آن وقت در حیره بود مرا طلبید و من هم به



نزد وی رفتم دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در سمت راست وی نشسته است همین که نگاهم به او افتاد هیبتی از وی به دل گرفتم که از منصور خونریز ندیدم سلام کردم و با اشاره او نشستم سپس رو کرد به امام صادق و گفت: یا ابا عبدالله این ابوحنیفه است فرمود: آری او را می شناسم منصور گفت: مسائل خود را از ابو عبدالله سوال کن. من مسائل خود را می پرسیدم و امام صادق جواب می داد و می گفت شما چنین می گوئید و اهل مدینه چنان می گویند فتوای خودش نیز گاهی موافق با ما بود و زمانی موافق با اهل مدینه و گاهی هم مخالف با همه و تمامی آنها را جواب داد تا چهل مساله تمام شد و جواب یکی از آنها را ناتمام و مبهم نگذاشت.

آن قدر مردم از علوم ان حضرت نقل کرده اند که در تمام نقاط دنیا منتشر گشته و سراسر گیتی را فراگرفته است و آنچه از او نقل شده از هیچ یک از ائمه نرسیده است و آنچه راویان حدیث و ناقلان آثار از او نقل کرده اند از دیگر علمای اهل بیت نقل نکرده اند شمار راویان ان حضرت به چهارهزار نفر رسیده است. ان قدر دلایل اشکار بر امامت ان حضرت ظاهر گشته که دلها را روشن کرده و زبان مخالفان را از سرزنش و ایراد شبهات لال نموده است.

مناقب آن حضرت بسیار است به حدی که محاسب نمی تواند ان را حساب آورد و مستوفی هشیار و دانا از انواع ان در حیرت است گروهی از اعیان ائمه اهل تسنن و اعلام ایشان مانند یحیی بین سعید و ابن جریح و مالک بن انس و سفیان سوری و ابن عیینه و ابوایوب سجستانی و ... از وی روایت کرده اند. (اشتهاردی، ۱۳۷۴)

دانشگاه جعفری و آثار درخشش آن

یکی از بزرگترین توفیق و فرصتی که در میان امامان معصوم نصیب اما صادق شد تاسیس حوزه علمیه و دانشگاه عظیم جعفری است که از چهار هزار شاگرد تشکیل می شد و در نوع خود نهضت بزرگ فکری و علمی بود که پس از رسول خدا تا آن عصر، چنین نهضتی با آن عمق و گستردگی برای امامان به پیش نیامد.



پایه ریزی و زمینه سازی این نهضت عظیم به دست پر توان حضرت امام باقر انجام گردید و تعمیق و توسعه و استواری آن با همت والای امام صادق صورت گرفت. اگر چه امام صادق در صحنه های مختلف حضور پرتلاش داشت ولی در آن عصر هیچ چیز مهم تر از انقلاب فرهنگی و نهضت علمی که پایه و اساس همه نهضت ها است نبود امام صادق با بینش معصوم خود از فرصت جنگ و کشمکش بنی عباس و بنی امیه و اشتغال ظالمان به ظالمان نیروهای آماده راه به دور خود جمع کرد و به بازسازی نیروها و بازنگری اساس اسلام و فقه ناب اهل بیت که همان فقه اصلی اسلام بود پرداخت و با بیان کار پرثمر خدمت بزرگی به جهان اسلام و تاریخ و فرهنگ اسلام نمود نهالی کاشت که همچون درخت طوبی گردید و آثار درخشان آن به همه جا رفت و همه تشنگان معرفت را سیراب کرد و همچنان این درخت در سطح جهان میوه می دهد و شیفتگان حق از میوه های آن بهره می برند.

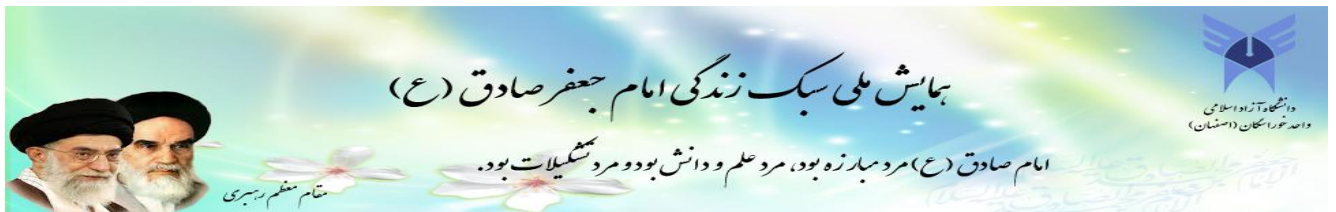
وسعت دانشگاه امام صادق

امام صادق علیه السلام با تمام جریان های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخت و برتری بینش اسلام را ثابت نمود.

شاگردان دانشگاه امام صادق علیه السلام منحصر به شیعیان نبودند، بلکه از پیروان سنت و جماعت نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می شدند. پیشوایان اهل سنت، با واسطه یا بی واسطه شاگرد امام بوده اند.

در راس ائمه اهل تسنن ابوحنیفه است ه دو سال شاگرد امام بود او این دو سال را پایه علم و دانش خود معرفی می کند و می گوید: اگر آن دو سال نبود نعمان از بین رفته بود.

مالک بن انس نیز نزد امام می آمد و به شاگردی آن حضرت افتخار می کرد او می گفت: مردی با فضیلت تر از نظر علم، عبادت و رع از جعفر بن محمد را هیچ جشمی ندیده و هیچ گوشه نشینده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.



در وسعت دانشگاه امام صادق علیه السلام همین بس که حسن بن علی بن زید و شا که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعا سالها پس از امام صادق علیه الاسلام زندگی کرده می گفت من در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند. (منصوری، ۱۳۵۸)

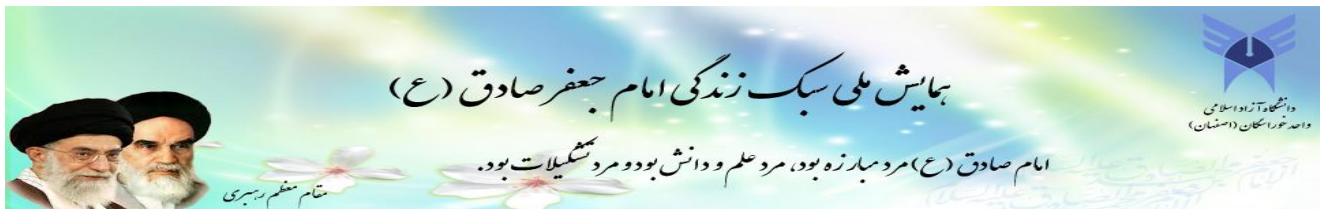
حوزه تدریس و شاگردان امام صادق

امام صادق در مدینه به تربیت شاگرد پرداخت طولی نکشید از اطراف و اکناف مانند: بصره ، کوفه، واسط، حجاز و ... به گرد آن حصرت امدد و کم کم شاگردان او به چهارهزار نفر رسیدند. حسین بن علی بن زیاد و شاء که خود از اساتید حدیث و از شاگردان امام رضا است می گوید: من در مسجد کوفه نهصد استاد حدیث را دیدم که از امام صادق نقل حدیث می کردند.

کوتاه سخن اینکه شاگردان مختلفی با نژادهای گوناگون، از طوایف و مذاهب مختلف در کلاس درس امام صادق شرکت نموده و بهره می بردند و در انی کلاس درسهای مختلف اسلامی مانند فقه، حدیث، اصول، علم کلام، تفسیر و علوم طبیعی تدریس می شد و شاگردان برجسته ای تربیت شدند که گروهی از آنها در رشته های مختلف علوم اسلامی تخصص داشتند و اهل نظر بودند.

جعفر بن محمد (امام صادق) یکی از امامان دوازده گانه مطابق مذهب شیعه امامیه و از بزرگان خاندان پیامبر است که به خاطر راستگویی و درستکاری او را صادق گویند. فضایل و کمالاتش مشهور تر از آن است که نیاز به توضیح باشد، جابر بن حیان طراطوسی شاگرد آن حضرت بود، کتابی در هزار ورق از تعلیمات جعفر بن محمد تالیف کرد که شامل پانصد رساله بود.

دانشگاه امام صادق بزرگترین و ژرفترین نهضت علمی را پدیدار ساخت و همه ممدارس و خطوط علمی عصر خود را تحت الشعاع قرار داد، حتی شاگردان برجسته ای از اهل تسنن از این دانشگاه بهره ها بردند و به مقامات عظیم علمی رسیدند. (مطهری، ۱۳۶۷)



تخصص در علوم

امام صادق علیه السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته ای که با ذوق و قریحه او سازگار بود تشویق و تعلیم می نمود و در نتیجه هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند حدیث، تفسیر، علم کلام و امثال اینها تخصص پیدا می کردند. گاهی امام، دانشمندانی را که برای بحث و مناظره مراجعه می کردند راهنمایی می کرد تا با یکی از شاگردان که در آن رشته تخصص داشت مناظره کند به عنوان نمونه یک مورد را بررسی می کنیم:

۱- هشام بن سالم می گوید روزی با گروهی از یاران امام صادق در محضر آن حضرت نشسته بودیم یک مرد شامی اجازه ورود خواست و پس از کسب اجازه وارد مجلس شد امام فرمود بنشین نگاه فرمود چه می خواهی؟

مرد شامی گفت: شنیده ام شما به تمام سوالات و مشکلات مردم پاسخ می گوئید آمده ام با شما بحث و مناظره کنم.

امام فرمود: در چه موضوعی؟

شامی گفت: درباره کیفیت و قرائت قرآن

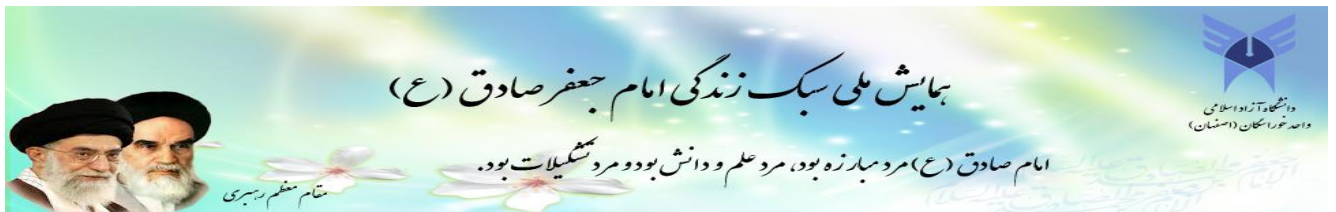
امام رو به حمران کرده فرمود حمران جواب این شخص با توست/

مرد شامی ناگزیر با حمران وارد بحث شد هر چه شامی پرسید پاسخ قاطع و مستوفی از حمران شنید به طوری که سرانجام از ادامه بحث فروماند و سخت و ناراحت و خسته شد

امام فرمود: حمران را چگونه دیدی؟

راستی حمران خیلی زبردست است هر چه پرسیدم به نحو شایسته پاسخ داد.

شامی گفت: می خواهم درباره لغت و ادبیات عرب با شما بحث کنم



امام رو به ابان بن تغلب کرد و فرمود با او مناظره کن

ابان راه هرگونه گریز را به روی او بست و وی را محکوم ساخت شامی گفت می خواهم درباره فقه با شما مناظره کنم.

امام به زراره فرمود با او مناظره کن

زراره با او به بحث پرداخت و به سرعت او را به بن بست کشاند شامی گفت می خواهم درباره لام با شما مناظره کنم.

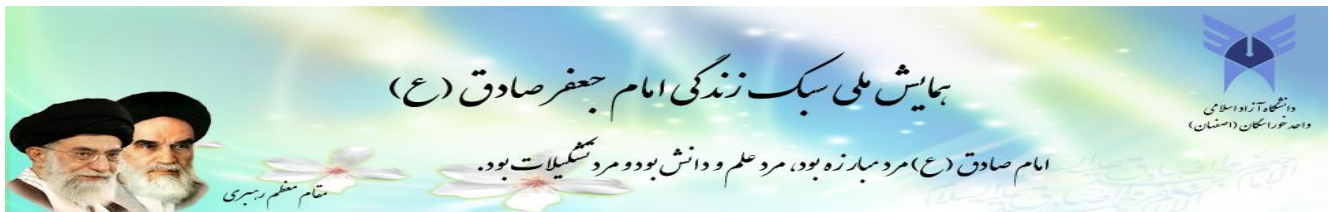
امام به مومن الطاق دستور داد با او مناظره پرازد. طولی نکشید که شامی از مومن الطاق نیز شکست خورد. به همین ترتیب وقتی که شامی درخواست مناظره درباره استطاعت توحید و امامت نمود. امام به ترتیب به حمزه طیار ، هشام بن سالم و هشام بن حکم دستور داد تا با وی به مناظره بپردازند و هر سه با دلایل قاطع و منطقی کوبنده شامی را محکوم ساختند. (کلینی رازی، ۱۳۸۸)

سبک تعلیم و تربیت امام صادق(ع)

در اینجا به روش های مورد استفاده امام در تربیت شاگردان خویش اشاره می کنیم.

الف: تشویق و تکریم شاگردان

تاریخ پر بار زندگی امام صادق علیه السلام نشان می دهد که آن حضرت، چه در حضور و چه در غیاب یاران و شاگردان شایسته خود، نسبت به آنان، تعبیرات زیبایی دارد که نشانگر تشویق آن ها و احترام به آنان است. بعنوان مثال ابان بن تغلب می گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: به اتفاق پدرم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. همین که نگاه امام به پدرم افتاد، دستور



داد بالش برای پدرم نهادند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوشامد گفت و یا هشام بن محمد السائب الکلبی که امام علیه السلام نسبت به او بسیار عنایت داشت به گونه ای که هر گاه بر حضرت وارد می شد، امام صادق علیه السلام او را نزد خود می نشاند و با او با گشاده رویی و نشاط سخن می گفت. (پیشوایی، ۱۳۷۲)

ب: انس با شاگردان

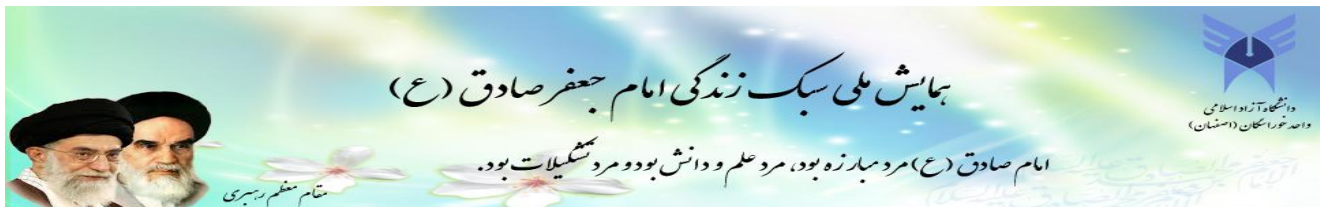
منظور از انس با شاگردان، مراوده، دید و بازدید و شرکت در مجالس آن ها است. به این معنی که آن حضرت دیدار با ایشان را دوست می داشته و دوری آنان باعث دلتنگی حضرت می شد.

ای ابو حمزه از دیدار شما آرام می شوم. و یا زمانی که عقبه بن خالد، معلی بن خنیس و عثمان بن عمران بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند، حضرت فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید؛ ای کسانی که ما را دوست دارند و ما آن ها را دوست داریم. و سپس فرمود: جَعَلَكُم اللّٰهُ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

غبسه می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: من از دست مردم مدینه و تنهایی خودم به خدا شکایت می کنم تا این که شما بر ما وارد شوید و از ورود شما شادمان می شوم و ای کاش این طاغیه - منصور دوانیقی - مرا آزاد می گذاشت که خانه ای بگیرم و در آن سکونت کنم و شما را نیز همراه خود در آن جای دهم و یا خطاب به ابو حمزه می گفت: اِنِّی لَأَسْتَرِيحُ اِذَا رَأَيْتُكَ ، ای ابو حمزه از دیدار شما آرام می شوم. و یا زمانی که عقبه بن خالد، معلی بن خنیس و عثمان بن عمران بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند، حضرت فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید؛ ای کسانی که ما را دوست دارند و ما آن ها را دوست داریم. و سپس فرمود: جَعَلَكُم اللّٰهُ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (مظفر، ۱۳۷۷)

ج: میدان دادن برای سخن گفتن

گاهی اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام در محضر شریف آن امام همام، لب به سخن نمی گشودند؛ نخست به این دلیل که هیبت معنوی امام جرأت سخن گفتن در محضر ایشان را



از حاضرین سلب می کرد، دیگر این که سخن گفتن در محضر ایشان را نوعی خلاف نزاکت به حساب می آوردند. در چنین اوضاع و احوالی حضرت خودش دستور به مناظره می دادند و راضی نمی شدند که هیبت ایشان و ادب دوستان، از کسی سلب جرأت نماید. لذا در محفلی که مناظره و گفتگو بود، دیدند حمران بن اعین ساکت است. حضرت سؤال کردند که چرا سخن نمی گویی؟ حمران گفت: سرور من، سوگند یاده کرده ام که در مجلسی که شما حضور دارید به خود اجازه سخن گفتن ندهم. حضرت فرمودند: من به تو اجازه دادم، حال سخن بگو. (عالمی دامغانی، ۱۳۷۸)

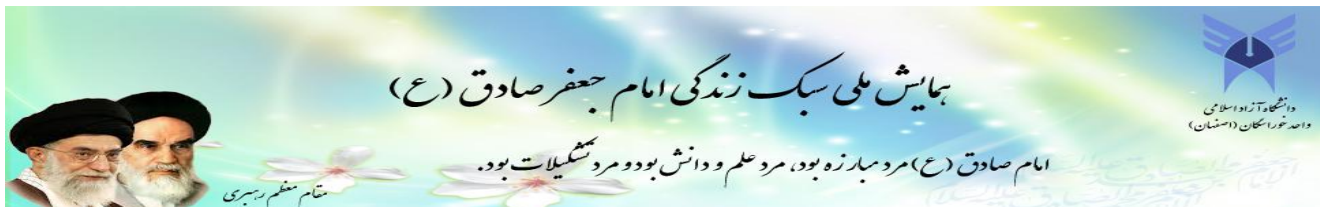
د: تقدیر از تلاش های علمی

همه شاگردان آن حضرت در راه حفظ آثار اهل بیت علیهم السلام اهتمام می ورزیدند، اما برخی از آن ها نقش بیشتری داشتند و درست به همین دلیل، امام بر خود لازم دیده است که از تلاش های برجسته و صادقانه آن ها قدردانی نماید. ایشان در حق زرارۀ و محمد بن مسلم و برید بن معاویۀ و لیث بختری فرمود: اینان از نجبا هستند و از امنای الهی به شمار می آیند، حلال و حرام خدا را می دانند و اگر اینان نبود آثار نبوت تباه می شد.

جلوه دیگر تقدیر از تلاش های علمی؛ ارجاع مردم به شاگردان خود است که در سیره عملی امام صادق بارها دیده شده است؛ مثلاً مردی از شام برای بحث و گفتگو نزد حضرت آمده بود، ایشان آن شخص را به حمران ارجاع داد، آن شخص گفت، من برای مناظره با شخص شما آمده ام نه حمران، حضرت فرمود، اگر بر ایشان ظفر یافتی، گویا بر من غالب شده ای. بعد از ختم مناظره، حضرت از مرد شامی سؤال کرد که حمران را چگونه یافتی؟ گفت: بسیار حاذق و ماهر بود. هر آن چه که پرسیدم، به خوبی جواب گفت. (علیدوست خراسانی، ۱۳۷۷)

ه: راهنمایی و تذکر

انسان غیر معصوم هر چه دانش داشته باشد و تلاش های علمی صادقانه صورت داده باشد باز هم بی نیاز از منبع فیض نیست که هر از گاهی رو به سوی او آورد و نقاط قوت خود را از زبان



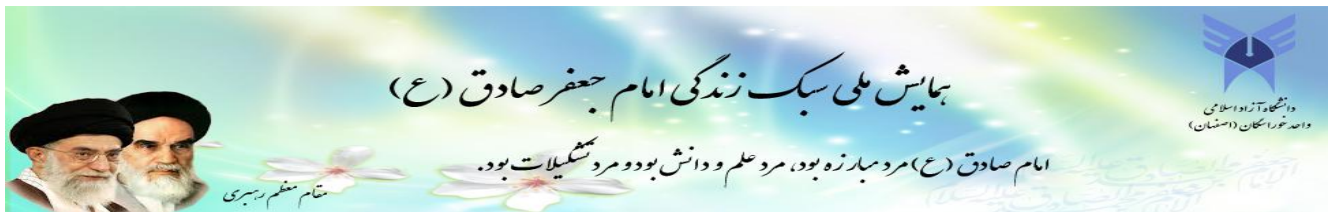
او بشنود و بر ضعف های خود وقوف یابد تا در صدد رفع آن ها برآید. امام صادق علیه السلام با هدف توانمندساختن شاگردان، نقاط ضعف و قوت آنان را گوشزد می کرد. به حمران می گفت: در بحث، سخنی را دنبال می کنی و به نتیجه می رسانی. به هشام بن سالم فرمود: می خواهی بحث را دنبال کنی و به نتیجه برسانی اما توانایی نداری. به احول فرمود: در بحث و مناظره قیاس بسیار می آوری و باطل را به باطل جواب می دهی. به قیس فرمود: در گفتگو به حق نزدیک می شوی اما از اخبار و احادیث نبوی فاصله می گیری و حق را به باطل می آمیزی، اما بدان که سخن حق هر چند کم باشد تو را از باطل، بسیار بی نیاز خواهد کرد. به هشام بن حکم فرمود: تو در بحث پیش می روی همین که می خواهی به زمین بخوری دوباره پرواز می کنی و کسی همانند تو باید با مردم سخن بگوید. از لغزش پرهیز که امداد و شفاعت یاریگر تو خواهد بود.

جلوه دیگر تقدیر از تلاش های علمی؛ ارجاع مردم به شاگردان خود است که در سیره عملی امام صادق بارها دیده شده است. (خامنه ای، ۱۳۸۰)

و: ابراز خشم از اسائه ادب به شاگردان

کسانی از کوفه به محضر شریف حضرت رسیدند و از کسانی چون برید و زراره و محمد بن مسلم عیب جوئی کردند، حضرت به آن ها فرمود: ای گروه عیب جو و هرکس که همفکر شماست! خدا روح شما را پاک نگرداند. شما از کسانی عیب می گوئید که امین خدا بر حلال و حرام دین شما هستند. آنان ستارگان شیعیانم هستند، چه زنده باشند چه مرده. اینان یاد پدرم را زنده کرده اند. راوی می گوید: سپس حضرت از شدت ناراحتی گریه کردند و آن گاه اضافه کردند: آنان کسانی هستند که مشمول صلوات و رحمت خداوند می باشند، چه زنده باشند و چه مرده. (طبری، ۱۳۶۲)

ز: تأثر از فوت یاران



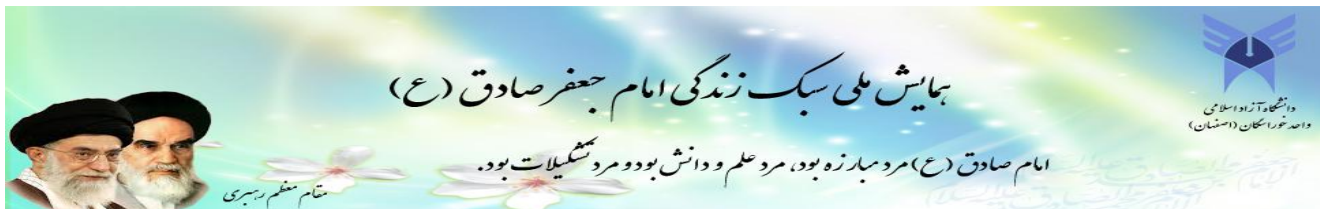
زمانی که خبر رحلت ابان بن تغلب به حضرت رسید، بر او رحمت فرستاد و سوگند یاد کرد که مرگ ابان دل مرا به درد آورده است و یا عبدالملک بن اعین شیبانی کوفی، که یکی از یاران باوفا و از شاگردان امام صادق علیه السلام بود. ایشان در مدینه از دنیا رفت، حضرت در حق ایشان دعا کرد: خدایا! او را در روز قیامت جزو ثقل محمد صلی الله علیه وآله قرار ده، چه این که او در نزد ما از بهترین بندگان بود. سپس با جمعی دیگر به زیارت قبر او رفت و در کنار تربتش بر او رحمت فرستاد. (مفید، ۱۳۷۸)

نتیجه گیری:

در مقاله حاضر به بررسی سبک تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع) پرداخته ایم همواره شاهد این بودیم که این امام رئوف نسبت به شاگردان خویش در زمینه تعلیم و تربیت چقدر درخور و شایسته آنان عمل می کردند و همواره با عطف و مهربانی برخورد می نموده اند. روشهای تربیتی ایشان مانند تکریم شاگردان، فرصت دادن برای سخن گفتن، تقدیر از تلاش های علمی شاگردان خویش و... می تواند راهگشای معلمین عزیز در امر پویای تعلیم و تربیت قرار بگیرد.

منابع:

- ۱- اشتهاوردی، محمد مهدی (۱۳۷۴)، نگاهی بر زندگی امام صادق، تهران، انتشارات مطهر.
- ۲- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۲)، سیره پیشوایان، قم، انتشارات توحید.
- ۳- خامنه ای، سید علی (۱۳۸۰)، پیشوای صادق، تهران، انتشارات سید جمال.
- ۴- عالمی دامغانی، محمد علی (۱۳۷۸)، شاگردان مکتب ائمه (ع)، قم، انتشارات موسسه نشر اسلامی.



- ۵- علوی، محمد (۱۳۸۵)، نگرشی مختصر بر زندگانی چهارده معصوم، قم، انتشارات نغمات.
- ۶- علیدوست خراسانی، نورالله (۱۳۷۷)، پرتوی از زندگانی امام صادق، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۷- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۸- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، تهران، انتشارات موسسه نشر اسلامی.
- ۹- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، سیری در ائمه اطهار، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۰ - مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۸)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله**، ترجمه: رسولی محلاتی، تهران، انتشارات موسسه نشر اسلامی.
- 11- مظفر، محمد حسین (۱۳۷۷)، امام صادق، قم، انتشارات موسسه نشر اسلامی.
- 12- منصوری، زبیر الله (۱۳۵۸)، مغز متفکر جهان شیعه، تهران، انتشارات جاویدان.

